

سازوکارهای حمایت از حقوق کودک در برابر مجازات و تنبیه از نظر فقه و حقوق^۱

مرئضی طبیبی جبلی^۲

آزاده علیان^۳

مسعود راعی دهقی^۴

چکیده

توجه به حقوق کودک و حمایت از او در برابر مجازات و تنبیه، از اموری است که طی سال‌های اخیر، نظر بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است. این موضوع از جهت مباحث حقوق بشری و در قالب اسناد بین‌المللی حمایت از کودک، بازتاب خاصی دارد. از نظر معاهدات بین‌المللی و همچنین قوانین داخلی ایران، انواع مختلف مجازات و تنبیه کودک مانند آزار جسمی ممنوع شمرده شده است. از طرف دیگر، شریعت اسلام نیز نگاه ویژه‌ای به کودک دارد. فقها نیز، اهتمام ویژه‌ای به این امر داشته‌اند. مقاله حاضر در پی این سؤال پژوهشی است که سازوکارهای حمایت از کودک در برابر تنبیه و مجازات‌های غیرقانونی از دیدگاه اسلام و قوانین ایران چیست؟ نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین سازوکارهای فقهی در قالب حرمت ایذاء، ضرورت حالیت طلبیدن، وجوب پرداخت دیه، وجوب آموزش‌های لازم، ضرورت حفظ حرمت کودک، داوری خانوادگی تبیین شده است. از نظر حقوقی نیز وجود نهادهای نظارتی و حمایتی مانند تأسیس دادگاه‌های مخصوص، به عنوان راهکار حمایتی شناخته شده است.

واژگان کلیدی

حقوق کودک، کودک آزاری، تأدیب، تنبیه، فقه، حقوق، اسناد بین‌المللی

^۱ - تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۸/۱۵؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۴/۴

^۲ - استادیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان (نویسنده مسؤول)

^۳ - کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

^۴ - استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

Tabibi890@gmail.com

Azadealyan@gmail.com

Masoudraei@gmail.com

مقدمه

امروزه یکی از تأسفاترترین اخبار جهان، که هر انسانی را متأثر می‌کند، افزایش آمار کودک‌آزاری است. ایران نیز از آسیب‌های این مسأله در امان نیست. در مورد تنبیه در اسلام، معمولاً به ذکر نظرات و فتاوی برخی فقها اکتفا می‌شود و تفحص کمتری در روایات صورت می‌گیرد. فقهای اسلامی نیز معمولاً به بیان حکم فقهی مسأله اکتفا می‌کنند و به جنبه‌های تربیتی و اخلاقی مسأله و کم و کیف تنبیه در روایات کمتر وارد می‌شوند، در حالی‌که روشن شدن این بحث، از نظر تربیتی اهمیت خاصی دارد و باید در بررسی فقهی به روایاتی که در این زمینه وارد شده است، توجه بیشتری شود.

مجازات و تنبیه کودک به عنوان یک پدیده حقوقی، همواره در تمام جوامع وجود داشته و با تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی و نیز با پدید آمدن نظام‌های منسجم، شکل و نحوه برخورد با آن متفاوت شده است. این پدیده، ریشه در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی دارد که جهت مهار و کنترل آن علاوه بر مداخله حقوقی، مداخلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی نیز ضروری است. در نوشتار حاضر، این تنبیه معضل اجتماعی، با رویکرد توصیفی و تحلیلی در حقوق داخلی و بین‌المللی و فقه مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور، نخست سازوکارهای حمایتی از کودک در حقوق بین‌الملل به دو صورت عام و خاص محل توجه قرار می‌گیرد و سپس این موضوع در حقوق موضوعه ایران بررسی می‌شود و در ادامه نیز به بررسی تنبیه و مجازات کودک در فقه اسلامی پرداخته می‌شود.

سازوکارهای حمایتی در حقوق بین‌الملل

با استناد به مقررات بین‌المللی می‌توان به دو نوع سازوکار حمایتی عام و خاص توجه کرد:

۱- حمایت عام

سازوکارهای حمایتی عام، سازوکارهایی هستند که در اسناد مختلف بین‌المللی مطرح شده و همه افراد بشر را فارغ از هر گونه تمایز و تبعیض مد نظر قرار داده است و از آنها حمایت می‌کند. این حمایت‌ها که دولت‌ها را مکلف می‌کند، عبارت است از:

- برابری در مقابل قانون: مطابق ماده ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کشورها^۱ متعهد می‌شوند که برابری تمام افراد را بدون هر گونه تبعیض بپذیرند؛ از این لحاظ هر نوع تبعیض ممنوع می‌باشد و برای تمام افراد حمایت‌های مؤثر و مساوی، علیه هر نوع تبعیض مانند نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و یا دیگر عقاید منشأ ملی یا اجتماعی، دارائی، تولد، نسب و یا هر وضعیت دیگری تضمین می‌شود (ماده ۲۶، م.ح.م.س).^۲

پس همه افراد در مقابل دادگاه‌ها و دیوان‌های دادگستری از حقوق برابر برخوردارند. در امور تصمیم‌گیری هر اتهامی علیه فرد یا علیه حقوق و تعهدات مدنی او، هر کس باید حق داشته باشد که اتهاماتش به وسیله یک دادگاه قانونی، صلاحیت‌دار، مستقل و بی‌طرف، به‌طور منصفانه و علنی، رسیدگی شود (ماده ۱۴، بند ۱ م.ح.م.س). به علاوه، آیین دادرسی در مورد افراد جوان باید مطابق سن، مصلحت و اعاده حیثیت آنان در نظر گرفته شود (همان، بند ۴، م.ح.م.س).

- اطلاع رسانی: هر کسی که دستگیر شود، باید در زمان بازداشت، دلایل دستگیری به اطلاع او رسانده شود و نیز هر اتهامی که علیه او وجود دارد، بی‌درنگ به او تفهیم گردد (ماده ۹، بند ۲ م.ح.م.س). به علاوه، مطبوعات و افکار عمومی ممکن است از تمام یا قسمتی از وقایع دادگاه به دلایل اخلاقی، نظم عمومی یا امنیت ملی در یک جامعه مردم‌سالار منع شوند. وقتی مصلحت زندگی خصوصی طرفین دعوی اقتضا کند یا تا حدی که دادگاه در شرایط خاصی علنی بودن را برای مصالح دادگستری زیان‌آور بداند، محرمانه بودن جلسات دادگاه در تمام یا قسمتی از

^۱ - منظور از کشورها در این مقاله، کشورهای عضو معاهده است.

^۲ - مخفف‌ها یا کوتاه نوشت‌ها در مقاله حاضر عبارتند از:

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و سند نهایی کنفرانس دیپلماتیک رم: ا.د.ک.ب

پروتنکل میثاق حقوق مدنی و سیاسی: پ.م.ح.م.س.

سیاست‌های حمایتی در یونیسف: س.ج.ی.

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان: ق.ح.ک.ن.

قانون مجازات اسلامی: ق.م.ا.

قانون مدنی: ق.م.

کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر: ک.آ.ح.ب

کنوانسیون حقوق کودک: ک.ح.ک.

میثاق حقوق مدنی و سیاسی: م.ح.م.س.

دادرسی امکان دارد؛ اما حکم صادره در امور کیفری یا مدنی باید علنی باشد، مگر آن‌که مصلحت افراد جوان ایجاب نماید یا روند دادرسی، مربوط به اختلافات زناشویی یا سرپرستی اطفال باشد (ماده ۱۴، بند ۱، م.ح.م.س).

- زمان مناسب: در صورتی که شخص به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت گردد، باید بی‌درنگ در مقابل قاضی یا دیگر مقام مجازی که به وسیله قانون، قدرت قضایی را اعمال می‌کند، آورده شود. همچنین شایسته است در مدت معقولی محاکمه یا آزاد گردد. نباید بازداشت و انتظار دادرسی افراد به صورت قاعده عمومی و کلی درآید؛ ولی در هر مرحله رسیدگی قضایی، ممکن است متهم به صورت موقت و به اقتضای حکم دادگاه از آزادی محروم شود (ماده ۱، بند ۳، م.ح.م.س). بنابراین کسی که بر اثر دستگیری یا بازداشت، از آزادی محروم می‌گردد، حق دارد روند دادخواهی را بدین منظور که دادگاه بدون تأخیر در مورد غیرقانونی بودن بازداشتش تصمیم گیرد، دنبال نماید تا اگر بازداشت او غیرقانونی باشد، قاضی دستور به آزادی او دهد (همان، بند ۴، م.ح.م.س).

- جبران خسارت: چنانچه کسی قربانی، دستگیر یا بازداشت غیرقانونی شده باشد، حق طلب جبران خسارت دارد (همان، بند ۵، م.ح.م.س). در این راستا کشورها تضمین می‌کنند، فردی که حقوق و آزادی‌هایش چنان که بیان شد و ارائه می‌گردد، نقض شود، باید وسیله‌ای جهت جبران خسارت مؤثر داشته باشد؛ هر چند این نقض به وسیله افرادی انجام گرفته باشد که در سمت رسمی قرار داشته‌اند و همچنین تضمین می‌کنند فردی که درخواست جبران خسارت می‌کند، به وسیله مقامات صالح قضایی، اداری و قانون‌گذاری یا به وسیله هر مقام دیگری که به واسطه نظام قانونی کشور مقرر می‌گردد، مورد محاکمه قرار گیرد و امکانات جبران خسارت قضایی و حقوقی - تظلم و دادخواهی - توسعه یابد و تضمین کنند که مقامات صالح به تظلماتی که حقانیت آن محرز شود، ترتیب اثر بدهند (ماده ۲، بند ۳، م.ح.م.س). در این راستا کمیته‌ای وجود دارد که عملکرد کشورها را مورد رسیدگی قرار می‌دهد. بنابراین کشورها باید، صلاحیت کمیته را در دریافت و رسیدگی به شکایات افرادی که تابع حاکمیت آن کشور می‌باشند و مدعی هستند که قربانی نقض هر یک از حقوق مندرج در میثاق از طرف آن کشور شده‌اند، به رسمیت بشناسند (ماده ۱، پ.م.ح.م.س). پیرو این مقررات، افرادی که مدعی هستند هر یک از حقوق آنان که در میثاق معین شده، نقض گردیده است و آن‌ها تمام مراحل موجود قوانین داخلی را طی کرده‌اند، می‌توانند شکایت کتبی خود را جهت رسیدگی به کمیته ارسال دارند (ماده ۲، پ.م.ح.م.س).

- رفتار مناسب: افرادی که آزادی آن‌ها سلب می‌گردد- زندانیان - باید با انسانیت و احترام که شایسته حقیقت ذاتی شخص انسان است، با آن‌ها رفتار شود و به جز موارد استثنایی، افراد متهم باید از محکومان جدا نگاه داشته شوند و مشمول رفتار جداگانه‌ای، متناسب با وضعیت افراد غیرمحکوم شوند؛ همچنین افراد جوان متهم باید از بزرگسالان جدا نگاه داشته شوند و باید در اسرع وقت در مورد آن‌ها قضاوت گردد. در این موارد گاهی به جای زندان از نظام ندامتگاه برای آن‌ها استفاده می‌شود که باید متضمن رفتار با افرادی باشد که هدف اساسی، اصلاح آنان و اعاده حیثیت اجتماعی‌شان باشد. در این مورد نیز جوانان بزهکار باید از بزرگسالان جدا نگاه داشته شوند و با آن‌ها متناسب سن و وضعیت قانونی‌شان رفتار گردد (ماده ۱۰، م.ح.م.س). چنانچه ملاحظه می‌شود، طبق ماده ۱۰ مزبور لازم است که بزهکار جوان جدا از بزرگسال زندانی شود. پس به قیاس اولویت، باید کودک زندانی جدا از نوجوانان و بزرگسالان زندانی شود و نوجوانان از جوانان و بزرگسالان جدا باشند. علاوه بر آن، هیچ کس را نباید فقط به عنوان این‌که قادر به انجام تعهد قراردادی خود نیست، زندانی کرد (ماده ۱۱، م.ح.م.س). پس کسی که مجرم شناخته شود، مطابق قانون باید حق داشته باشد که مجرمیت و محکومیت او به وسیله یک دادگاه عالی‌تر مورد تجدیدنظر قرار گیرد (ماده ۱۴، بنده، م.ح.م.س). به علاوه کسی را نمی‌توان به واسطه انجام یا ترک عملی، که بنا بر قوانین ملی یا بین‌المللی جرم نبوده است، در آن واحد محکوم نمود. همچنین نباید هیچ مجازات شدیدتری را از آنچه در زمان ارتکاب جرم قابل اجرا بوده است، تعیین کرد، حتی اگر پس از ارتکاب جرم، مقررات قانونی دیگری وضع شود که مجازات ملایم‌تری را در برداشته باشد، مجرم باید از آن مقررات استفاده نماید و این مقررات نباید با دادرسی و مجازات شخصی که در هنگام انجام عملی یا ترک آن، بنا بر اصول کلی قوانین شناخته شده جامعه ملل، جرم نیست، منافات داشته باشد (ماده ۱۵، م.ح.م.س)؛ چرا که همه حق دارند در همه‌جا مقابل قانون، به مثابه یک شخص حقوقی شناخته شوند (ماده ۱۶، م.ح.م.س). نیز نباید زندگی خصوصی، خانوادگی، خانه و یا مکاتبات اشخاص، مورد دخالت خودسرانه - بدون مجوز قانونی - یا خلاف قانون قرار گیرد. همچنین نباید شرافت و حیثیت آن‌ها مورد تعرض غیر قانونی واقع گردد (ماده ۱۷، بنده ۱، م.ح.م.س). پس این حق را دارند که در مقابل تعرضات یاد شده از حمایت قانون برخوردار شوند (همان، بنده ۲، م.ح.م.س). به طور خلاصه، عمومیت این موارد از قبیل برابری در مقابل قانون، جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی و لزوم برخورد مناسب و اخلاقی که در این بخش در خصوص محکومیت و مجازات بیان شد، شامل کودکان نیز می‌شود. البته طبق اسناد بین‌المللی، کودکان اصولاً از مسؤولیت کیفری مبرا هستند؛ لکن در قانون مجازات اسلامی، سن مسؤولیت کیفری با همه تخفیفاتی که منظور می‌گردد، به هر

حال سن بلوغ شرعی است و با اسناد بین‌المللی انطباق کامل ندارد. لذا کسی که طبق عرف بین‌الملل کودک تلقی می‌شود، شاید در قوانین داخلی کودک تلقی نشود. در این حال، عمومیت قوانین و اسناد بین‌المللی می‌تواند سازوکار حمایت از او باشد.

- جرم انگاری برخی از رفتارها: در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی از موارد نسل‌کشی به ایراد صدمه شدید به سلامت جسمی یا روحی اعضای یک گروه، قرار دادن عمدی یک گروه در معرض وضعیت‌های زندگی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن بشود و اقداماتی که به منظور جلوگیری از توالد و تناسل یک گروه صورت گیرد و انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر اشاره شده است (ماده ۶، ا.د.ک.ب.)، به علاوه منظور از جنایات ضد بشریت، مواردی از این قبیل است: قتل، به بردگی گرفتن، تبعید یا کوچ اجباری جمعیت، حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی جسمانی که بر خلاف قواعد اساسی حقوق بین‌الملل انجام می‌شود، تعقیب و آزار هر گروه یا مجموعه مشخصی به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسیت یا علل دیگر که تمام آن‌ها غیرمجاز شناخته می‌شود، ناپدید کردن اجباری اشخاص، اعمال غیرانسانی مشابه دیگری که عمداً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا به سلامت روحی و جسمی صورت پذیرد (ماده ۷، ا.د.ک.ب.). همچنین به برخی از جنایات جنگی نیز به عنوان مجازات و تنبیه می‌توان اشاره کرد از جمله فراهم آوردن موجبات رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم اطفال نیز ممکن است قربانی این جنایات شوند که لزوم حمایت از آنان در قبال این جنایات روشن است (ماده ۸، ا.د.ک.ب.).

۲- حمایت خاص در برابر محکومیت و مجازات کودک

به منظور حمایت از کودکان و نوجوانان، برنامه یونیسف در کلیه سنین در خانه، مدرسه و اجتماع، اجرا می‌شود. انجام اصلاحات قانونی و سیاست‌گذاری و پیشگیری از کودک‌آزاری دو جزء مهم می‌باشند و هدف از این برنامه تقویت ظرفیت‌ها یا افرادی است که با کودک سروکار دارند. با توجه به پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک، این افراد شامل مسئولان قوه قضائیه، پلیس و سازمان‌های مربوط می‌شوند (س.ح.ی.).

- توجه ویژه به منافع کودک: در تمام اقدامات مربوط به کودکان که توسط مؤسسات رفاه اجتماعی عمومی یا خصوصی، دادگاه‌ها، مقامات اجرایی یا ارگان‌های قانونی انجام می‌شود، رعایت منافع کودک از اهم ملاحظات می‌باشد (ماده ۳، بند ۱، ح.ک.). در این رابطه کشورها اجرای اقدامات ذیل

را متقبل و متضمن می‌شوند: هیچ کودکی نباید تحت شکنجه یا سایر رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی یا مغایر شئون انسان قرار گیرد. پس مجازات اعدام یا حبس ابد بدون امکان آزادی را نمی‌توان برای جرم‌هایی که کودکان زیر ۱۸ سال مرتکب شده‌اند، اعمال کرد (ماده ۳۷، بند الف ک.ح.ک؛ ماده ۷، بنده، م.ح.م.س). به علاوه آن‌ها نباید به طور غیرقانونی زندانی شوند. پس دستگیری، بازداشت یا زندانی کردن کودک باید مطابق با قانون باشد و به عنوان آخرین راه چاره و برای کوتاه‌ترین مدت ممکن باید بدان متوسل شد؛ همچنین با کودک زندانی باید به خاطر مقام ذاتی انسان، رفتاری انسانی و توأم با احترام داشت؛ به نحوی که به ویژه نیازهای سنی او در نظر گرفته شود. از جمله این‌که کودکان زندانی خصوصاً باید از افراد بزرگسال جدا شوند و کودک حق داشتن تماس با خانواده خود، از طریق نامه و ملاقات حضوری را داشته باشد، مگر در شرایط استثنایی و مواردی که مغایر با مصالح کودک باشد؛ همچنین آن‌ها باید از حق دسترسی سریع به مشاوره حقوقی یا سایر مساعدت‌های ضروری و نیز حق اعتراض به مشروعیت زندانی شدن خود در برابر دادگاه یا سایر مقامات ذی‌صلاح، مستقل و بی‌طرف و تصمیم‌گیری سریع در این‌گونه موارد برخوردار باشند (ماده ۳۷، ک.ح.ک). در مورد کودکان متهم یا مجرم به نقض قانون کیفری، این حق به رسمیت شناخته می‌شود که با آنان مطابق شئون و ارزش کودک رفتار گردد؛ زیرا این امر موجب افزایش احترام کودک به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی دیگران می‌گردد. سن کودک را هم باید در نظر گرفت؛ زیرا باعث افزایش خواست وی برای سازگاری با جامعه و به عهده گرفتن نقشی سازنده می‌گردد (ماده ۴۰، بند ۱، ک.ح.ک). بدین منظور و با توجه به مفاد اسناد بین‌المللی، هیچ کودکی نباید به خاطر اعمالی که در زمان ارتکاب، توسط قانون ملی یا بین‌المللی منع نشده است، متهم یا مجرم به نقض قانون کیفری شناخته شود، ولی در صورتی که متهم یا محکوم به نقض قانون کیفری شود، حداقل دارای تأمین‌های زیر خواهد بود:

- ۱- بی‌گناه شناخته شدن تا زمانی که جرم طبق قانون ثابت نشده باشد.
- ۲- اطلاع مستقیم و سریع از اتهامات وارد بر وی، در صورت لزوم از طریق والدین و یا قیم‌های قانونی، و حق داشتن مشاوره حقوقی یا سایر کمک‌ها در تهیه و ارائه دفاعیه.
- ۳- روشن شدن موضوع در اسرع وقت توسط مقام یا ارگان قضایی بی‌طرف و مستقل در طی یک دادرسی عادلانه در حضور وکیل یا سایر کمک‌های حقوقی، مگر این‌که این امر در جهت منافع کودک تشخیص داده نشود، خصوصاً با در نظر گرفتن سن، موقعیت، والدین یا قیم‌های قانونی کودک.

۴- مجبور نبودن به دادن شهادت یا اظهار تقصیر، بررسی شاهدان مختلف، کسب اجازه شرکت در دادگاه و بررسی شاهدان در شرایط مساوی.

۵- دسترسی به مقام و یا ارگان قضایی ذیصلاح، بی طرف و مستقل بالاتر بر طبق قانون در صورت مجرم شناخته شدن.

۶- حق استفاده رایگان از مترجم در صورتی که کودک قادر به درک زبان مورد استفاده در دادگاه نباشد.

۷- محرمانه بودن کامل موضوع در طول تمام مراحل دادرسی (ماده ۴۰، بند ۲، ک.ح.ک).
بنابراین در جهت افزایش وضع قوانین و مقررات، مقامات و مؤسساتی که خصوصاً مربوط به کودکان متهم یا مجرم به نقض قانون کیفری هستند، تلاش کرده، اقداماتی خواهند داشت مانند قائل شدن حداقل سن برای نقض قانون کیفری، به نحوی که زیر این سن، کودک دارای قدرت نقض قانون تلقی نشود و در صورت تناسب و تمایل، مقرراتی وضع خواهد شد در جهت رفتار با این گونه کودکان بدون توسل به دادرسی‌های قضایی؛ به شرطی که حقوق بشر و ضمانت‌های حقوقی کاملاً رعایت شود (همان، بند ۳، ک.ح.ک). پس برای تضمین این‌که با کودکان رفتاری متناسب با رفاه و شرایط و جرم آن‌ها گردد، مسائلی از قبیل نگهداری، راهنمایی، نظارت، مشاوره، تأدیب، فرزند خواندگی، تعلیم و تربیت و برنامه‌های آموزشی و حرفه‌ای و سایر اقدامات دیگر تأمین خواهد شد (همان، بند ۴، ک.ح.ک). به علاوه این‌که هر کودکی حق خواهد داشت از تدابیر حمایتی که از طرف خانواده، جامعه و دولت وی به اقتضای کودکی وی به عمل می‌آید، برخوردار گردد (ماده ۱۹، ک.آ.ح.ب).

- اطلاع رسانی: در صورتی که جدایی والدین یا یکی از آن‌ها و کودک ناشی از اقدامات دولت مانند بازداشت، زندانی کردن، تبعید، اخراج باشد، دولت‌ها بنا به درخواست کشور مربوطه، والدین یا کودک یا در صورت اقتضا یکی از اعضای خانواده را در جریان اطلاعات ضروری اموال فرد غایب خانواده قرار خواهند داد، مگر در مواردی که دادن این گونه اطلاعات مضر به حال کودک باشد؛ همچنین آن‌ها تضمین خواهند کرد که تسلیم این درخواست فی‌نفسه عواقبی برای افراد مربوطه در پی نداشته باشد (ماده ۹، بند ۴، ک.ح.ک).

البته در خصوص موارد بیان شده، در صورتی که قانون کشور مربوطه یا قانون بین‌المللی لازم‌الاجرا در آن کشور در جهت تحقق حقوق کودک در برابر مجازات مؤثرتر باشد، این موارد آن‌ها را تحت تأثیر قرار نخواهد داد (ماده ۴۱، ک.ح.ک).

- جنایت علیه کودک: در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی از موارد نسل‌کشی به انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر اشاره شده است (ماده ۱۶، د.ک.ب). به علاوه، بسیج اجباری یا داوطلبانه کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح ملی یا به کار گرفتن آنان برای مشارکت فعال در کارهای جنگی (ماده ۸، د.ک.ب) نیز، یکی از جنایات بین‌المللی است که در صورت وقوع می‌تواند برای کودک مجازات محسوب شود (همان، د.ک.ب).

ابزارها و سازوکارهای حمایتی در حقوق ایران

- برخورداری از حقوق خاص: با توجه به این‌که ایران به بعضی از معاهدات پیوسته و قوانین آن در چارچوب مقررات اسلامی تدوین گردیده است، تلاش کرده به طور ویژه به حمایت از کودک در برابر مجازات و تنبیه بپردازد. صریح‌ترین قانونی که در جهت سازوکارهای حمایت از حقوق کودک در برابر مجازات و تنبیه در ایران به تصویب رسیده است، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان است که در برگزیده کودکان تا ۱۸ سال می‌باشد. البته قانون‌گذار در قوانین دیگری نیز به صورت پراکنده و به مناسبت‌هایی به این مسائل پرداخته و در صدد حمایت از کودک بر آمده است.

«کلیه اشخاصی که به سن ۱۸ سال تمام هجری شمسی نرسیده‌اند، از حمایت‌های قانونی مذکور در این قانون بهره‌مند می‌شوند» (ماده ۱، ق.ح.ک.ن). مهم‌ترین آورده این قانون این است که برای تسری هر چه بیشتر چتر حمایتی به افراد، قانون‌گذار اشخاص زیر ۱۸ سال را مشمول این قانون قرار داده است. البته پیش از این، در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ نیز، این موضوع مورد توجه قرار گرفته و تعیین دادگاه اطفال برای رسیدگی به جرایم اشخاص زیر ۱۸ سال پیش‌بینی شده است. در واقع این دو قانون، تلنگری است که قانون‌گذار به ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی زده است؛ زیرا در تبصره ۱ این قانون، قانون‌گذار بدون این‌که طفل را تعریف کند، صرفاً به بلوغ شرعی اشاره نموده است و این یکی از ایرادهایی است که همواره در مجامع بین‌المللی به آن اشاره می‌کنند. متأسفانه در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان نیز طفل تعریف نشده است و صرفاً با تعیین سن، به طور ضمنی به تعریف کودک و نوجوان اکتفا شده است (عباچی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۸).

- منع آزار و شکنجه: چنان‌که در مواد دیگر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان آمده است، هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت

روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع [است] و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد (ماده ۲ و ۴، ق.ح.ک.ن).
از نظر بزه‌دیده‌شناسی، شخص ممکن است در نتیجه ارتکاب جرم، هم از نظر معنوی و شخصیتی دچار صدمه و خسارت شود و هم از لحاظ عاطفی و روانی متضرر شود. به عنوان مثال، در تجاوز به عنف، ورود صدمه جسمانی به لحاظ وجود عنف و خشونت اجتناب‌ناپذیر است و ورود صدمه معنوی به لحاظ به خطر افتادن حیثیت و آبرو. خسارت روانی هم از جهت حرکات و رفتارهای خلاف اخلاق و تأثیرات روانی که بر مجنی‌علیه به جای گذاشته است و او را بیمار می‌کند، قابل تصور است و اتفاقاً این نوع خسارت با هیچ مجازاتی ولو شدید، التیام پیدا نمی‌کند و جبران نمی‌شود (آبروشن، ۱۳۸۴، ص ۱۷۰).

- تنبیه به لحاظ تربیت: قوانین موجود در ایران در زمینه تنبیه بدنی اطفال به دو صورت است: بعضی از قوانین، تنبیه بدنی طفل به لحاظ تربیتی را با شرایطی جایز می‌دانند (ماده ۵۹ و ۶۰، ق.م.ا) و برخی ضرب و جرح و تکرار آن را خارج از حد متعارف، منع می‌نمایند (ماده ۱۱۷۳ و ۱۱۷۹، ق.م.ا). ظاهراً با جمع بین این دو دسته قوانین معلوم می‌گردد که در موارد ضروری، جواز تنبیه بدنی، مشروط به عدم تکرار و عدم خروج از حد متعارف است.

مسأله حائز اهمیت این است که غیر از والدین، سرپرستان صغار و عندالاقضاء کانون اصلاح و تربیت، هیچ کس نمی‌تواند به تنبیه بدنی طفل مبادرت ورزد. بنابراین معلمان، مدیران و مسئولان آموزشگاه‌های فرهنگی، هنری و علمی و ... نمی‌توانند به بهانه تربیت، طفل را تنبیه کنند. منظور قانون‌گذار از تنبیه بدنی اطفال به منظور تربیت می‌باشد که این قاعده مغایر با علوم رفتارشناسی و روان‌شناسی است؛ زیرا تنبیه بدنی نه تنها اثری در تربیت طفل ندارد، بلکه امکان تخریب شخصیت اطفال و ناسازگاری آن‌ها را فراهم می‌سازد. همان‌طور که اشاره شد، تنبیه بدنی جهت تربیت و به میزان مصلحت هیچ‌گونه تعریف و حدودی ندارد و راه سوءاستفاده را هموار می‌نماید (آبروشن، ۱۳۸۴، ص ۱۶۹-۱۷۳). هر چند عرف، شرع، علوم روان‌شناسی و تربیتی دایره آن را بسیار مضیق می‌کند.

به لحاظ اهمیت مسأله عدم ایذاء کودک، قانون‌گذار به موجب ماده ۱۱۷۳ ق.م.ا، به دادستان اختیار داده است که با اثبات عدم صلاحیت ولی کودک به دلیل کودک‌آزاری، سرپرست صالحی برای کودک قرار دهد. از سوی دیگر، به استناد ماده ۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، کودک‌آزاری از جرایم عمومی است و نیاز به شاکی خصوصی ندارد. بدین سبب، دادستان می‌تواند تقاضای مجازات کودک‌آزار، اعم از والدین و غیرایشان را بنماید. بدیهی

است که این مورد شامل کسانی نیز می‌شود که سرپرستی کودک از طریق دادگاه به آن‌ها سپرده شده است. با این توضیح که به دلیل کودک‌آزاری، هم تحت تعقیب و مجازات قرار گیرند و هم کودک از ایشان گرفته شده و در اختیار بهزیستی یا خانواده دیگری، قرار داده شود. طرح کودک مهمان که بهزیستی در اجرای ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی به کار می‌بندد، در همین راستاست.

ابزارها و سازوکارهای حمایتی در فقه

در اسلام نیز سازوکارهایی برای حمایت از حقوق کودک در برابر مجازات و تنبیه آمده است که در این زمینه به آیات، روایات و نظرات فقها استناد می‌کنیم. قبل از ورود به بحث روایات، تذکر این نکته اهمیت دارد که قطع نظر از روایات، تنبیه کودک جایز نیست؛ چون خدای تعالی انسان را آزاد آفریده است و کسی بر دیگری تسلط ندارد، مگر آن‌که او اجازه دهد که بنا به مصلحت‌هایی می‌باشد (ابن فهد حلی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳هـ ج ۱۰۱، ص ۹۹؛ بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۳۰، ص ۱۱۴۱؛ طوسی، ۱۴۰۷هـ ج ۳، ص ۲۲۳). به علاوه تنبیه و زدن دیگری علی‌القاعده ایذاء، اذیت و ظلم به اوست و این اعمال در شرع نهی شده است؛ به طوری که برخی روایات آن را کفر و حرب با خدا می‌دانند. ابن ابی عمیر از معاویه نقل می‌کند که از امام صادق ۷ درباره قول خدای سبحان «ومن یرد فیه بالحداد» سؤال کردیم. امام ۷ فرمود: «هر ظلمی الحاد است؛ یعنی به منزله کفر است؛ و زدن خدمتکار بدون دلیل هم نوعی الحاد است» (کلینی، ۱۴۰۷هـ ج ۴، ص ۲۲۷؛ مجلسی، ۱۴۱۴هـ ج ۷، ص ۱۲۳).

۱- ممنوعیت ظلم

کودکان گاه به جهت گرسنگی، تشنگی، بی‌خوابی، خیس شدن، جلب محبت والدین و یا درد و ناراحتی گریه می‌کنند و گریه نیز ممتد می‌شود. خشونت ناآگاهانه والدین با کودک در چنین مواقعی، آثار بسیار منفی بر روح و جسم او می‌گذارد. از آن پس معمولاً والدین پشیمان می‌شوند، ولی پشیمانی دیگر سودی ندارد (لباف، ۱۳۸۵، ص ۶۵-۶۶). از نظر شرعی چنین برخوردهای ناپسندی با کودکان ممنوع است و تجاوز به حق سلامت روانی و جسمی آنان به شمار می‌آید.

رسول خدا ۶ می‌فرماید: «نوزادان خود را به خاطر گریه‌شان نزنید؛ زیرا گریه ایشان در چهار ماه اول، گواه به وحدانیت الهی، در چهار ماه دوم، درود بر پیامبر و خاندانش، و در چهار

ماه سوم، دعا برای والدینش است» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ هـ ص ۳۳۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ هـ ج ۴، ص ۳۹).

مفضل بن عمر نیز منافی برای گریه کودکان بیان کرده است، ولی برای خودداری از درازی سخن، از ذکر آنها پرهیز می‌کنیم.^۱

۲- ضرورت حفظ حرمت کودک

از روایات به دست می‌آید که کودک دارای احترام ویژه‌ای در حد امر و جوب یا استحباب است که به عنوان نمونه می‌توان به این روایات اشاره کرد:

امام صادق ۷ می‌فرماید که رسول خدا ۶ فرمود: «خداوند رحمت کند کسی را که فرزندش را در نیکوکاری یاری نماید». از ایشان پرسیدند: چگونه؟ فرمود: «نیکی اندک او را بپذیرد و از خطا و لغزش او در گذرد و با رفتارش او را به بدی نکشاند و گستاخش ننماید» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ ج ۷، ص ۵۰؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ ج ۲۱، ص ۴۸۱؛ بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۶، ص ۱۵۶).

انجام رفتارهایی که توسط والدین و ناشی از عصبانیت و ظاهراً به منظور تربیت کودک انجام می‌گیرد، معارض با حفظ حرمت کودک می‌باشد و می‌تواند آثار نامطلوب زیادی را به جای بگذارد که در واقع خود نوعی ظلم محسوب می‌شود (لباف، ۱۳۸۵، ص ۱۳۳).

امام موسی کاظم ۷ به شخصی که در مورد تربیت فرزند ناصالحش سؤال کرده بود، فرمود: «فرزندت را نزن، بلکه از او دوری نما - و قهر کن - ولی این را نیز طول مده» (ابن‌فهد حلی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ هـ ج ۱۰۱، ص ۹۹).

یادآوری این نکته ضروری است که آنچه در تأدیب کودک مطرح است، به خاطر مصلحت وی می‌باشد، نه مسائل نفسانی. در غیر این صورت، خود فرد تأدیب‌کننده باید تعزیر شود (منتظری نجف آبادی، ۱۴۰۹ هـ ج ۳، ص ۵۵۳).

۳- وجوب آموزش‌های لازم

امیرمؤمنان ۷ می‌فرماید: «عاقل به تربیت پند گیرد و حیوانات به زدن» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ ج ۷، ص ۲۱۱؛ ورام بن اُبی فراس، ۱۴۱۰ هـ ج ۲، ص ۱۰۵).

^۱ - برای اطلاع بیشتر بنگرید به: مفضل بن عمر و میرزایی، ۱۳۷۷، ص ۵۱؛ مجلسی و کمرهای، ۱۳۵۱، ج ۴، ص ۳۳۲-۳۳۳.

«جزای بدی، مانند آن، بدی است. پس هر که درگذرد و نیکوکاری کند، پاداش او بر [عهده] خداست. به راستی او ستمگران را دوست نمی‌دارد. و هرکه پس از ستم [دیدن] خود، یاری جوید [و انتقام گیرد] راه [نکوهشی] برایشان نیست» (شوری، ۴۰-۴۱).

هدف مجازات در اسلام، حفظ نظم و خیر فرد و اجتماع می‌باشد. بنابراین در تمام جرایم در فقه، یکی از شرایط اعمال مجازات، همان دارا بودن مسئولیت و آن هم مسئولیت اخلاقی است تا زمانی که کسی مسئولیت نداشته باشد، قابل تعقیب و مجازات نیست. عدم مسئولیت صغیر در اسلام فقط در مواردی است که حق‌الله در بین باشد و گرنه در موارد حق‌الناس اساساً طفل از لحاظ حقوقی، نه کیفری مسؤول شناخته می‌شود. نهایت این‌که در شرع اسلام، در امور کیفری صغار، کیفیت مخصوص پیش‌بینی شده است و چون در ارتکاب هر جرمی شرط عقل، بلوغ، اختیار و آگاهی به جهت عمل ارتكابی مفروض می‌باشد، لذا اگر یکی از ارکان چهارگانه مسئولیت از جمله بلوغ وجود نداشته باشد، حاکم شرع اجازه ندارد که حکم حد یا قصاص جاری سازد؛ و در موارد استثنایی مجازات خفیف تعزیری، آن هم تحت شرایطی ویژه در مورد کودکان اعمال می‌شود (آبروشن، ۱۳۸۴، ص ۶۲).

با توجه به روایات می‌توان گفت محبت، رحمت، احترام، عفو و بخشش همیشه مطلوب است و تندی و عتاب و خطاب و غضب به کودک نه تنها مطلوب نیست، بلکه نهی هم شده است (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۶۳۹؛ شامبیاتی، ۱۳۸۵، ص ۳۰-۳۱).

۴- رعایت انصاف و عدالت

اسلام کودکان را به خاطر فقدان مسئولیت از کیفر حدود و قصاص دور نگه داشته است، ولی این بدان معنی نیست که کودک به طور کلی از هر گونه مجازات معاف است. به همین دلیل فقها و حقوقدانان اسلامی تصریح کرده‌اند که کودک هر گاه مرتکب اعمال مجرمانه بزهکارانه شود، باید او را تعزیر کرد. در تعزیر کودک، کیفیت و کمیت، بستگی به نظر قاضی دارد و او موظف است با توجه به شرایط محیط، شخصیت کودک و این‌که با چه واکنشی ممکن است این کودک را تربیت و به پاکی گرایش داد، تنبیهی را برای او مقرر نماید؛ اگر این واکنش از پیش تعیین شده باشد، در بسیاری از موارد اثر خود را در تربیت و اصلاح کودک و عبرت‌پذیری دیگران از دست می‌دهد و در مواردی ممکن است عدالت و انصاف نیز منحرف گردد؛ زیرا شرایط و حالت کودکان بزهکار و اوضاع و احوال جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، یکسان نیست و ممکن است واکنشی که برای شخصی سودمند است، برای فرد دیگری بی‌اثر یا مضر باشد. به عنوان مثال برای کودکی که

خانواده او از امکانات مالی خوبی برخوردار است، اگر تاوان نقدی به عنوان کیفر تعیین شود، بی‌فایده است و اثری نخواهد داشت، اما اگر همین جریمه درباره شخصی متوسط یا معمولی - از نظر مالی - در نظر گرفته شود، می‌تواند مؤثر واقع شود (آبروشن، ۱۳۸۴، ص ۶۴). شیخ طوسی در کتاب خلاف به این نکته اشاره زیبایی دارد: «تعزیر از اختیارات امام است و اگر متوجه شود برای جلوگیری از جرم و مجرم به هیچ چیزی جز تعزیر مصلحت نیست، نباید از تعزیر وی صرف‌نظر کند. ولی اگر دانست که با جایگزین کردن روش‌های دیگر به جای تعزیر مانند شماتت و سخت‌گیری‌ها، استفاده مطلوب حاصل می‌شود، می‌تواند با به‌کاربردن این روش‌ها از تعزیر چشم‌پوشی کند» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۲۳).

به طور کلی مسؤلیت کیفری کودک به معنای اخص کلمه از منظر فقهای اسلامی و به استناد حدیث معتبر و مشهور بین اهل سنت و امامیه موسوم به حدیث «رفع»، منتفی است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۵ و ۱۶، ص ۱۳۴ و ۱۷؛ بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۵۷؛ ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۹۴ و ۱۷۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ص ۳۲؛ پاینده، ۱۳۸۲، ص ۵۰۳).

حتی در روایتی از پیامبر اکرم ۶ نقل شده است که: «عمد یا قصد کودک با سهو و خطا برابر است، حتی اگر کودک با قصد، مرتکب فعل مجرمانه‌ای شود، جرم محسوب نمی‌گردد یا مجازات جرم بدون قصد را دارد» (طباطبایی قمی، ۱۴۲۶، ج ۹، ص ۲۲۰).

اما در برخی از جرایم، شارع مقدس بین افراد ممیز و غیرممیز تفاوت قائل شده است و تعزیر افراد ممیز را واجب دانسته است. با توسعه در معنی تعزیر می‌توان از هر شیوه‌ای که در جلوگیری از جرم، تنبیه، اصلاح و بازگشت کودکان و نوجوانان معارض با قانون، مؤثر باشد، استفاده کرد. بدون تغییر سیاست‌های جنایی، تقنینی، قضایی و جزایی، تحقق آموزه‌های کیفری ممکن نیست. لذا پیشنهاد می‌شود با بازنگری و اصلاح قانون مجازات اسلامی و تغییر در شیوه‌های رسیدگی جزایی امکان اصلاح شخصیت طفل بزهکار فراهم آید، قوانینی که در جهت جلوگیری از اعزام کودکان و نوجوانان به زندان مؤثر بوده و دست قاضی را برای صدور حکم مقتضی بازگذارد؛ در صورت مجازات هم، باید مجازات به شکلی باشد که در بازسازی و آماده کردن او برای بازگشت به جامعه مفید باشد، به‌خصوص در مورد اطفال بزهکار باید تدابیری اندیشیده شود که بتواند در تربیت و اصلاح این کودکان مؤثر باشد و موجب باز پروری این افراد گردد.

۵- داورى خانوادگى

داوری یکی از روش‌های کارآمد در قرآن کریم است. در این روش همواره تلاش بر این است که با توافق به یک قضاوت برسند. مثلاً در مورد نزاع زن و شوهر آمده است: «و اگر از جدایی میان آن دو [زن و شوهر] بیم دارید، پس داوری از خانواده آن [شوهر] و داوری از خانواده آن [زن] تعیین کنید» (نساء، ۳۵).

در مورد کودک نیز می‌توان تدابیری اندیشید تا خانواده و نزدیکان، به حکم قانون یا عرف و عادت و شرع، ابتدا اعمال بزهکارانه کودک را در محیطی دوستانه حل و فصل کنند و حتی موضوع را از طریق حکمیت و داوری حل نمایند؛ داوری مزبور دارای چنین مزایایی است:

۱- داور عضو خانواده، خیرخواه و دارای تعهد بیشتری است.

۲- به بودجه نیاز ندارد.

۳- حل و فصل موضوع به سرعت صورت می‌گیرد.

۴- اسرار و حیثیت خانوادگی حفظ می‌شود.

۵- اعتماد اطفال و دوستداری آن‌ها تأمین می‌گردد.

۶- ایجاد محرومیت

یکی دیگر از سازوکارهایی که می‌توان گفت جزء آموزه‌های خاص اسلامی و برخوردار از رویکرد حمایتی است، ایجاد برخی محرومیت‌ها توسط والدین برای کودکان است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها محرومیت عاطفی است که در آموزه‌های دینی با عنوان قهر نمودن بیان شده است. این راهکار و برخوردار بودن آن از آثار مثبت تربیتی، مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است تا جایی که می‌توان گفت: قهرکردن ابزار و تعزیری است که کودک را تربیت می‌کند و در روایات ما در صورتی که استفاده از آن به قصد تأدیب باشد (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۳۱)، ابزار و سازوکاری برای مجازات است؛ در حالی که مسأله لزوم قهر کردن به عنوان ابزاری تربیتی و تعزیری در روایات در مورد کودکان بیان شده است (بن‌فهد طی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۹۹) و می‌توان آن را تعمیم داد و برای تنبیه و تأدیب کودک از آن استفاده کرد.

البته برای قهر کردن به عنوان تنبیه و ادب کردن، شرایطی در روایات ذکر شده است که از جمله حضرت رسول فرموده است: «هر کس ناگزیر از قهر گردد، پس بیش از سه روز با برادر دینی خویش قهر و دوری نکند، و هر کس بیش از سه روز از برادرش به قهر و غضب دوری گزیند، آتش برای او سزاوارتر است» (بن‌بابویه، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۶۷؛ همو، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۳۱۴).

۷- عدم جواز تنبیه بدنی

از دیگر سازوکارهای حمایتی، ممنوعیت جواز تنبیه بدنی است. اکثر فقهای امامیه در این امر اتفاق نظر دارند (موسوی خمینی، ۱۴۲۲هـ ج ۳، ص ۴۷۷؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۹هـ ج ۳، ص ۲۶۶). به عنوان مثال در پاسخ به سؤال درباره تنبیه بدنی دانش‌آموزان آمده است: زدن دانش‌آموزان جایز نیست، مگر این‌که این امر به خاطر تربیت آن‌ها لازم باشد و با اجازه

ولی باشد و با توجه به این‌که در شرایط فعلی آثار منفی آن بیشتر می‌باشد، لازم است حتی‌الامکان از این کار پرهیز شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷هـ ج ۱، ص ۴۱۶).

از دیگر موارد مسأله اداره کلاس و آموزشگاه پس از ارشاد، موعظه و ارائه طریق و در نهایت ایراد ضرب بدنی است که باز پاسخ، این است که: انجام این کار جایز نیست، مگر در موارد ضرورت (موسوی خمینی، ۱۴۲۲هـ ج ۳، ص ۴۷۷). آیت الله موسوی گلپایگانی در این زمینه می‌فرماید: «در غیر تعزیر و حد که اجرای آن وظیفه حاکم شرع است، زدن زن یا طفل جایز نیست، مگر موارد مخصوصه که شرعاً اجازه داده شده مثل موردی که امر به معروف یا نهی از منکر موقوف به آن باشد یا بعضی مراتب نشوز زن که بر شوهر جایز است تأدیب، یا در تمرین طفل به نماز در ده سالگی و امثال آن‌ها و در موردی که شرعاً اجازه داده شده، نباید طوری بزند که موجب دیه شود. مثلاً رنگ پوست بدن سرخ شود» (موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۹هـ ج ۳، ص ۲۶۶). این فقیه در ادامه می‌فرماید که: «بچه مطلقاً در مرتبه اول و دوم سرقت، تأدیب یا تعزیر ندارد، ولی جواز تهدید او بعید نیست و بعد از هفت سالگی، در مرتبه سوم چنانچه هر مرتبه شرعاً ثابت شده باشد، سر انگشتان دست راست او را می‌تراشند تا خون بیرون آید و احوط آن است که این امر را در مرتبه پنجم اجرا کنند» (موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۹هـ ج ۳، ص ۲۷۰).

۸- پرداخت دیه

از دیگر سازوکارها مسأله حمایت مالی است. در این زمینه موضوع پرداخت مالی، تحت عنوان دیه مد نظر فقها قرار گرفته است. به عنوان نمونه در پاسخ به این سؤال که اگر پدر فرزند خود را برای تأدیب بزند، و موجب جراحت یا سیاهی یا قرمزی پوست

شود، آیا دیه دارد؟ و اگر برای تشفی خاطر و در اثر غضب بزند آیا دیه دارد؟

بیان شده است که: «با فرض این‌که موجب جرح یا سیاهی یا قرمزی شود، دیه دارد» (موسوی

خمینی، ۱۴۲۲هـ ج ۳، ص ۴۷۵؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۷هـ ج ۲، ص ۳۴۲؛ بهجت، ۱۴۲۸هـ ج ۴، ص ۵۱۵-۵۱۶؛

همو، ج ۳، ص ۲۳۵؛ موحدی لنکرانی، ۱۴۲۸ هـ ج ۲، ص ۴۷۶؛ همان، ص ۴۷۷؛ منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۳۱ هـ (الف)، ص ۱۷۷؛ جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶ هـ ج ۲، ص ۳۲۱؛ موحدی لنکرانی، ۱۴۲۸ هـ ج ۱، ص ۵۱۸ - ۵۱۹.

۹- حلالیت طلبیدن

تلاش برای جلب رضایت کودک از دیگر سازوکارهای حمایتی است. یکی از فقها در این خصوص معتقد است که اگر مادری فرزند خود را بزند، باید حلالیت بطلد و دیه هم دارد (بهبخت، ۱۴۲۸ هـ ج ۴، ص ۵۱۶).

این معنا در خصوص معلمان اعم از آن‌که مشغول به کار باشند یا بازنشسته، نیز وجود دارد. چنان‌که یکی از فقها در این مورد می‌فرماید: اگر ضرب در حد دیه نباشد برای آن‌ها استغفار کند و کار خیر انجام دهد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ هـ ج ۲، ص ۵۵۴-۵۵۵).

نکته پایانی که مبنای مباحث اخیر می‌باشد، آن است که در زمینه مجازات‌های تعزیری، مرحوم صاحب جواهر از صاحب کشف‌اللاثام نقل می‌کند که هر گاه گناهکار با گونه‌های دیگری از کیفر تأدیب شود، روی آوردن به تازیانه و تنبیه بدنی دلیلی ندارد؛ مگر در موارد ویژه‌ای که در آن‌ها راجع به تنبیه بزهکار نصی وارد شده باشد. با توجه به این مسأله، در این گونه مجازات‌ها - اعم از این که نصی خاص درباره آن وارد شده باشد یا خیر - اگر اصلاح و تأدیب گناهکار با مجازاتی خفیف‌تر ممکن باشد، همان را باید انجام داد (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۳۱ هـ (ب)، ج ۲، ص ۵۱۴-۵۱۵).

از دقت در لسان روایات مربوط به حدود و تعزیرات بسا به دست می‌آید که تشریح آن‌ها برای اصلاح فرد و جامعه و بازداشتن افراد خاطی و مجرم از تکرار جرم و تأدیب آن‌ها می‌باشد، نه این‌که دارای اسراری مرموز باشند که قابل فهم برای عرف و عقلا نباشد؛ و اصلاح و تربیت جوامع و افراد از اموری است که متأثر از شرایط زمانی و مکانی می‌باشد و از این جهت برخورد با جرایم و تعزیر مجرمان مختلف نیاز به کارشناسی دقیق دارد. از سوی دیگر اعمال مجازات از قبیل دخالت در محدوده سلطه دیگری است؛ و بر اساس اصل اولی مستفاد از عقل و شرع، تصرف در سلطه دیگری بدون رضایت او جایز نیست، مگر در مواردی که شارع آن را تجویز کرده و نوعی ولایت و سلطه بر غیر را مشروعیت داده باشد؛ مثل امر به معروف و نهی از منکر و نیز اجرای حدود الهی با رعایت شرایط و ضوابط هر یک از آن‌ها. اما در مورد تعزیرات، قدر متیقن آن است که حاکم شرع واجد شرایط تا جایی بر مجرم سلطه دارد و می‌تواند او را تعزیر کند که در راه تأدیب و اصلاح وی باشد. بنابراین اگر توسط کارشناسان مربوط تشخیص داده شود که با مجازات خفیفی می‌توان

مجرم را تأدیب و اصلاح کرد، دلیلی از شرع و عقل بر جواز مجازات شدید وجود ندارد. اساساً ویژگی عدالت حاکم واجد شرایط - که از شرایط اساسی اعمال سلطه توسط وی می‌باشد - اجازه مجازاتی بیش از اندازه و مقدار مورد نیاز را به وی نمی‌دهد (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۳۱هـ.ق، ج ۲، ص ۵۱۴ و ۵۱۵؛ همو، ۱۴۲۹هـ.ق، ص ۱۱۰).

یافته‌های پژوهش

از آنچه گفته شد و از بررسی تطبیقی بین فقه امامیه و معاهدات بین‌المللی و حقوق ایران این نتیجه به دست می‌آید که:

- ۱- با عنایت به این‌که ایران به بعضی از این معاهدات با حق شرط، پیوسته است، در مواردی که مفاد معاهدات بین‌المللی متعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد، از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران، لازم‌الرعایه نمی‌باشد. به علاوه، اغلب قوانین ایران برگرفته از فقه اسلامی است؛ اما آنچه مورد اختلاف بین صاحب‌نظران است، مسائلی مانند جواز یا عدم جواز تنبیه و مجازات کودک است که به نظر می‌رسد، بهتر است جای خود را، به روش‌های اثربخش دیگری بدهد و دولت‌ها، به استناد بند ۳، ماده ۴۰، ک.ح.ک، تمام تلاش خود را در جهت وضع قوانین و مقررات در مورد کودکان متهم یا مجرم داشته باشند و با پژوهش در زمینه‌های مختلف و رفع ابهامات و اختلافات در مورد مصادیق مختلف حقوق داخلی، قانونی جامع و رسا در خصوص حقوق کودک تدوین نمایند.
- ۲- به لحاظ این‌که درصد قابل توجهی از مجازات و تنبیه، چه از جنبه جسمی و چه روحی و روانی که بر پیکره کودک وارد می‌شود، در درون خانواده‌ها رخ می‌دهد، پس باید از بدو تشکیل خانواده، مراقب این نهاد بود و سازوکارهای مناسب را در این زمینه به کار گرفت.
- ۳- در فقه امامیه راهکارهای حمایتی مختلفی از کودک بر اساس نیازهای مختلف او تعبیه شده است. این نیازها علاوه بر ابعاد مادی شامل ابعاد معنوی نیز می‌شود. جامع‌نگری شرع مقدس در مقایسه با اسناد بین‌المللی گویای این حقیقت است که رویکرد فقهی تنها ناظر به بعد دنیوی کودک نمی‌باشد و بعد آخرتی او نیز باید لحاظ شود. حرمت ظلم و ایذاء کودک، حفظ کرامت و شخصیت او، ضرورت احترام گذاشتن به کودک، وجوب پرداخت دیه و مهم‌تر از همه تلاش برای کسب رضایت کودک همگی حاکی از سازوکارهای درونی و بیرونی به منظور حمایت از کودک می‌باشد.

۴- راه‌حلهایی که امروزه با پیشرفت‌های شگرف علوم در سطح جهان، توسط مجامع بین‌المللی در خصوص حمایت از حقوق کودک، بیان می‌شود، هزار و چهارصد سال قبل در متون اسلامی، به نحو جامع‌تر و دقیق‌تری بیان شده است و شاهد این مدعا، تطبیق این معاهدات با آیات و روایات مربوط است که در این مقاله به برخی از آنها اشاره شد.

منابع و مأخذ

- ✓ آبروشن، هوشنگ، *کودک آزاری و کنوانسیون حقوق کودک*، تهران، انتشارات آریان، ۱۳۸۴، چاپ اول
- ✓ ابن‌بابویه، محمد بن علی (صدوق)، *التوحید*، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸هـ چاپ اول
- ✓ _____ *الخصال*، ترجمه جعفری، قم، نسیم کوثر، ۱۳۸۲، چاپ اول

- ✓ _____ **من لا يحضره الفقيه**، ترجمه علی اکبر غفاری و محمد جواد بلاغی، صدر، تهران، نشر صدوق، ۱۳۶۷، چاپ اول
- ✓ _____ **الخصال**، ترجمه علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲، چاپ اول
- ✓ ابن فهد حلی، احمد بن محمد و غفاری ساروی، حسین، **آیین بندگی و نیایش (ترجمه عده الداعی)**، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۷۵، چاپ اول
- ✓ بروجردی، آقا حسین، **جامع أحادیث الشیعه**، تهران، انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶، چاپ اول
- ✓ _____ **منابع فقه شیعه (ترجمه جامع أحادیث الشیعه)**، ترجمه مهدی حسینیان قمی و م. صبوری، تهران، انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶، چاپ اول
- ✓ بهجت (گیلانی فومنی)، محمدتقی، **استفتائات**، قم، دفتر حضرت آیت الله بهجت، ۱۴۲۸هـ، چاپ اول
- ✓ پاینده، ابوالقاسم، **نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)**، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲، چاپ چهارم
- ✓ جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام**، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۶هـ، چاپ اول
- ✓ حرعاملی، محمد بن حسن، **تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه**، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹هـ، چاپ اول
- ✓ شامبیاتی، هوشنگ، **بزهکاری اطفال و نوجوانان**، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد و ژوبین، ویرایش جدید، ۱۳۸۵
- ✓ صافی گلپایگانی، لطف الله، **جامع الاحکام**، قم، انتشارات حضرت معصومه (س)، ۱۴۱۷هـ، چاپ چهارم
- ✓ طباطبایی قمی، سید تقی، **مبانی منهاج الصالحین**، ترجمه عباس حاجیانی، قم، منشورات قلم الشرق، ۱۴۲۶هـ، چاپ اول
- ✓ طوسی، محمد بن الحسن، **تهذیب الأحکام**، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷هـ، چاپ چهارم

- ✓ عباچی، مریم، *حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحده*، تهران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۰، چاپ اول
- ✓ فیض کاشانی، محمد محسن، *الوافی*، اصفهان، کتابخانه امام أميرالمؤمنين علی 7، ۱۴۰۶هـ چاپ اول
- ✓ کلینی، محمد بن یعقوب، *تحفه الأولیاء (ترجمه اصول کافی)*، ترجمه محمدعلی اردکانی، قم، دارالحديث، ۱۳۸۸، چاپ اول
- ✓ کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷هـ چاپ چهارم
- ✓ لباف، فریبا، *حقوق فرزندان از نظر قرآن و سنت*، تهران، زهد، ۱۳۸۵، چاپ اول
- ✓ مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳هـ چاپ دوم
- ✓ مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *آسمان و جهان (ترجمه کتاب السماء و العالم بحار الأنوار جلد ۵۴)*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران، اسلامیه، ۱۳۵۱، چاپ اول
- ✓ مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی، *لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۴هـ چاپ دوم
- ✓ ابن عمر، مفضل، *شگفتی‌های آفرینش (ترجمه توحید مفضل)*، ترجمه نجفعلی میرزایی، قم، مؤسسه انتشارات هجرت، ۱۳۷۷، چاپ پنجم
- ✓ مکارم شیرازی، ناصر، *استفتائات جدید*، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب 7، قم، ۱۴۲۷هـ چاپ دوم
- ✓ منتظری نجف‌آبادی، حسین‌علی، *استفتائات مسائل ضمان*، قم، دفتر آیت الله منتظری، ۱۴۳۱هـ (الف)، چاپ اول
- ✓ _____، *رساله استفتائات*، قم، نشر سایه، ۱۴۳۱هـ (ب)، چاپ اول
- ✓ _____، *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، ترجمه: محمود صلواتی و شکوری، قم، مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹هـ چاپ اول
- ✓ _____، *مجازات‌های اسلامی و حقوق بشر*، قم، ارغوان دانش، ۱۴۲۹هـ چاپ اول
- ✓ موحدی لنکرانی، محمدفاضل، *جامع المسائل*، قم، انتشارات امیرقلم، ۱۴۲۸هـ چاپ یازدهم

- ✓ موسوی خمینی، سیدروح‌الله، *استفتائات*، قم، دفترانتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۲۲هـ چاپ پنجم
- ✓ موسوی گلپایگانی، سیدمحمدرضا، *مجمع المسائل*، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۰۹هـ چاپ دوم
- ✓ ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی، *تنبيه الخواطر و نزهة النواظر المعروف به مجموعه ورام*، قم، مکتبه فقیه، ۱۴۱۰هـ چاپ اول

نرم افزارها

- ✓ *جامع الأحادیث ۲/۵*، فرهنگ جامع روایات پیامبر اکرم 6 و اهل بیت علیهم السلام، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
- ✓ *جامع التفاسیر نور ۲/۱*، دائره المعارف چند رسانه‌ای قرآن کریم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
- ✓ *جامع فقه اهل البيت ۲ علیهم السلام*، کتابخانه تخصصی فقه، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

اسناد بین المللی

- ✓ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ میلادی برابر با ۱۳۶۸/۸/۲۰
- ✓ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶م
- ✓ پروتکل میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶م و لازم الاجرا بنا بر ماده ۴۹، ۲۳ مارس ۱۹۷۶م
- ✓ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی و سند نهایی کنفرانس دیپلماتیک رم، مصوب ۲۰۰۱م و لازم الاجرا در ۲۰۰۲م
- ✓ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مصوب ۱۹۶۹م، سان خوزه

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.